

## پاسخ فودارزیابی درس چهارم صص ۱۴۷ و ۱۴۶

۱. شعر زیر را در دو سطح ادبی و فکری بررسی کنید. (از هر سطح دو مورد)

از مُلک ادب حکم‌گزاران همه رفتند	شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
آن گرد شتابنده که در دامن صحراست	گوید چه نشینی که سواران همه رفتند
داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو	کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند
افسوس که افسانه‌سرایان همه خفتند	اندوه که اندوه‌گساران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران	تنها به قفس ماند هزاران همه رفتند
خون بار، بهاره از مژه در فرقت احباب	کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

سطح ادبی: استفاده متعادل از صنایع بیانی و بدیعی مثل: کنایه (بار سفر بند، از مژه خون باریدن) تشخیص (گرد شتابنده، دامن صحرا، گوید، دل لاله، بر سرو...) تشبیه (باغ جهان، چون ابر بهار) استعاره (مرغ گرفتار، این گلشن، قفس) مراعات (بهار، ابر، بهار)

سطح فکری: اندوه و تأسف بر مرگ بزرگان شعر و ادب و سیاست.

۲. این سروده را در قلمرو ادبی بررسی کنید.

گریه را به مستی بهانه کردم	شیکوه‌ها ز دست زمانه کردم
آستین چو از چشم برگرفتم	سیل خون به دامان روانه کردم
از چه روی چون ارغنون ننالم؟	از جفایت ای چرخ دون ننالم؟
چون نگریم ز درد و چون ننالم	دزد را چو محرم به خانه کردم

تشخیص (دست زمانه، شیکوه از زمانه، ای چرخ، چرخ دون) کنایه (آستین از چشم برگرفتن) اغراق (سیل خون به دامان روانه کردم) مراعات (آستین، دامان) تشبیه (چون ارغنون) استعاره (دزد: حاکم ظالم)

۳. متن زیر از کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» را دو سطح زبانی و فکری تحلیل کنید.

سطح زبانی: ۱. سادگی، روانی زبان و قابل فهم بودن آن ۲. استفاده از واژه‌های عربی: لکن، مجاری، مساعدت، صدرات، عمارت، مرمت ...

سطح فکری: دغدغه فکری نویسنده برای بیداری ایرانیان و تجلیل از زحمات و خدمات امیرکبیر در این

راه.

### پاسخ کارگاه تحلیل فصل دهم ص ۶۵

۴. متن زیر را از کتاب چرند پرنده خدا از نظر ویژگی‌های زبانی دوره بیداری بررسی نمایید.
- «باری، چه دردسر بدهم؟ آن قدر گفت و گفت و گفت تا ما را به این کار واداشت. حالا که می‌بیند آن روی کار بالاست، دست و پایش را گم کرده، تمام آن حرف‌ها یادش رفته. تا یک فرآش قرمزپوش می‌بیند، دلش می‌تپد. تا به یک ژاندارم چشمش می‌افتد، رنگش می‌پرد. هی می‌گوید: امان از همنشین بد.»
۱. سادگی و قابل فهم بودن
  ۲. کم‌شدن واژه‌ها و ترکیبات عربی و نزدیکی به زبان عامیانه
  ۳. استفاده از کلمات رایج مردم؛ مانند: «واداشت، ژاندارم، هی، فرآش، امان»
  ۴. استفاده از اصطلاحات و کنایات عامیانه، مانند: «دردسر بدهم، گفت و گفت و گفت، آن روی کار بالاست، دست و پایش را گم کرده، دلش می‌تپد، رنگش می‌پرد.»